

معنی قتال بر اساس تنزیل و تاویل در حدیث شریف

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سؤال^۱: در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام مطلبی به این مضمون می‌فرمایند: «که من بر سر تنزیل قرآن جنگیدم و تو ای علی برای تأویل آن» جنگ امام علی بر اساس تأویل را چگونه می‌فهمیم، در حالی که وقایع ظاهری حکایت از آن دارد که چیزی جز درگیری سیاسی نبوده است؟
پاسخ: در تفسیر این حدیث نبوی چندین احتمال وجود دارد که به شرح زیر است:

تفسیر اول: منظور از تاویل این است که متجاوزانی که علیه علی علیه السلام قیام کردند به نص قرآنی نیز تمسک جستند و معنای ظاهری آیات قرآن این است که جنگ با کافران است. پس تنزیل جنگ ظهور در جنگ با مشرکین و کافرین دارد اما تاویل و دلالت التزامی اش جنگ با تجاوزکاران (باغین) است و علی ع با استناد به این تاویل با کسانی که علیه او قیام کردند، جنگید.

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۳: سوال ۴۰۵.

این تفسیر را برخی از علما مانند علامه مجلسی رحمه الله در مرآة العقول و دیگران ذکر کرده اند و شبیه همین احتمال، برداشت دیگری است که می گوید جنگ علی ع بر مبنای بخش باطنی و پنهان دین و برخاسته از بطون قرآن بوده است.

تفسیر دوم: که این تفسیر بر اساس فهم ناقص من صحیح تر است. زیرا منظور این حدیث از تاویل، معنای غیر ظاهر نیست چرا که کلمه تاویل در زبان عربی - این متن نبوی است - به معنای غیر ظاهر نیست. این اصطلاحی است که بعدها در بین علما پدید آمد بلکه کلمه تاویل در سخنان علمای قرآن تا تقریباً قرن پنجم همواره به معنای خود تفسیر بوده است و به همین دلیل است که در عناوین کتاب‌های تفسیر قدیمی کلمه تاویل آمده نه تفسیر، همانطور که اسم حقیقی تفسیر طبری، «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» است.

با مراجعه به لغت عربی به عنوان مرجع در این بحث درمی یابیم که تاویل از «أول» گرفته شده است، پس تعبیر به معنای برگرداندن چیز به اول آن است، مثلاً می گویند: اولت الامر یعنی: من کار را به آغاز و اولش برگرداندم. به این روش بدون هیچ تکلفی حدیث قابل فهم می شود. بنابراین معنا این است که حضرت رسول برای اصل نزول قرآن کریم و اثبات آن و اثبات رسالت جنگید حال آن که جنگ علی با دشمنانش به خاطر بازگشت دین و رسالت به حالت اولشان بود.

بنابراین این حدیث از وجود انحرافی که به وجود آمده بود، پرده بر می دارد. مأموریت علی اصلاح انحراف و بازگرداندن صحنه به دوران اولیه اش در عصر پیامبر و به تعبیر امروزی: احیای دین محمدی بود؛ اشاره به این معنا در بعضی از صیغه‌های این حدیث که در ارشاد شیخ مفید و مسند ابن حنبل و غیر آن دو وارد شده، موجود است.

بر این اساس، می توان گفت انحرافی که در امت اسلامی رخ داد به عرصه‌های سیاسی، مدیریتی و ارتباطی کشیده شد و حتی اگر مبارزه علی با مخالفانش یک مبارزه سیاسی بوده باشد، این به این معنا نیست که بعد دینی، اخلاقی و ارزشی به خود نمی گیرد. زیرا

بسیاری از مفاهیم متروک و به دست فراموشی سپرده شده و یا تحریف شده بود و روابط مسلمانان برخلاف عصر پیامبر تیره و سرد شده بود چنانچه معیارها نیز با دوران پیامبر اکرم متفاوت شده بود. بنابراین حدیث می‌خواهد بگوید مبارزه ای که واقع شد با هدف بازگشت جامعه به شرایط مطلوب در حوزه روابط حاکمیت با مردم و تقسیم غنائم و اموال عمومی و اعمال قدرت و در حوزه خویشاوندسالاری و رانت خواری بود که اینجا و آنجا اتفاق می‌افتاد و نیز در رابطه با عدالت اجتماعی بین عرب و عجم و غیره و در سطح عدالت قضایی و سایر مواردی که در طول تاریخ ملاحظه کردیم بود. هدف این بود که مسیر انحرافی جریانات قاسطین و مارقین و ناکثین اصلاح شود.

این مفاد حدیث است و با صرف نظر از اینکه چه کسی متهم و مسئول آن حوادث بوده یا اینکه چه کسی ضال و چه کسی مضل بوده و یا دیگر مسائلی که کار مورخان و متکلمان است به نظرم مطلب خوب و درستی است. بنابراین علی علیه السلام - به مقتضای امثال این احادیث - برجسته‌ترین مصلح تاریخ اسلام و رهبر جریان اصلاح طلب بوده است، هر انقلاب یا دینی بعد از مرحله تاسیس دچار یک حالت انحراف شده و مصلحان حرکتی را برای اصلاح مسیر و امور آغاز می‌کنند که سیاست یکی از کلیدهای بزرگ آن به شمار می‌آید.